

تعیین عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل شهر آذرشهر

دکتر حسین بنی فاطمه^۱

طاهره طاهری تیمورلویی^۲

چکیده

رضایت از عوامل بسیار مهم در زندگی زناشویی است، رضایت زناشویی باعث می‌شود زوجین آرامش را در زندگی ببینند و با آرامش و رضایت آنها، فرزندان نیز در خانواده به خوبی تربیت می‌شوند و آثار آن را در جامعه از خود نشان خواهند داد. بنابراین با توجه به اهمیت و نقش رضایت از زندگی زناشویی در روابط بین زوجین و افزایش آرامش در زندگی زناشویی لزوم توجه و بررسی این متغیر در جهت کاهش تعارضات و مشکلات و بهبود و افزایش وضعیت زندگی زناشویی احساس می‌گردد. هدف کلی این پژوهش تعیین عوامل مؤثر بر میزان رضایت زناشویی در میان زنان شهر آذرشهر (زنان متأهل بالای ۱۵ ساله) می‌باشد. و اهداف جزئی آن تعیین رابطه بین میزان دینداری، سرمایه اجتماعی، ساختار قدرت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، وضعیت اشتغال زنان و تحصیلات زنان (متغیر مستقل) با میزان رضایت زناشویی (متغیر وابسته) می‌باشد. چارچوب نظری آن را نظریه‌های نیاز مازلو، همسان‌همسری برگس، دین دورکیم، سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام، قدرت و طول مدت ازدواج میشل آندره تشکیل می‌دهد.

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز.

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

روش: روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی و شیوه‌ی نمونه‌گیری آن، خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر زنان متأهل بالای ۱۵ ساله (N=۹۳۲۵) در شهر آذرشهر می‌باشد. حجم نمونه آن ۳۵۴ زن می‌باشد. برای ارائه نتایج از روش‌ها و آماره‌های توصیفی و نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، شیوه‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است، که تمام تحلیل‌های فوق توسط نرم‌افزار SPSS می‌باشد.

یافته‌های تحقیق: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین متغیرهای میزان دینداری، سرمایه اجتماعی، طول مدت ازدواج به عنوان متغیر مستقل با میزان رضایت زناشویی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد. هم‌چنین میزان رضایت زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و تحصیلات زنان متفاوت است. میزان رضایت زناشویی بر اساس وضعیت اشتغال زنان متفاوت نیست، بین فاصله سنی زوجین و رضایت زناشویی رابطه وجود ندارد.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، سرمایه اجتماعی، دینداری، ساختار قدرت در خانواده.

۱- مقدمه و بیان مسئله

ازدواج یعنی پیوند زندگی مشترک دو فرد با حفظ استقلال نسبی هر یک در جهت تکامل شخصیت طرفین. پیوند زناشویی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین انواع روابط انسانی واجد چنان توان بالقوه‌ای در آزادسازی احساسات است که در کمتر روابط بین فردی دیگر می‌توان نظیر آن را یافت (شهیدی و یوسفی، ۱۳۸۰، به نقل از صادق مقدم ۱۳۸۵). خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که بر پایه ازدواج قرار گرفته است. در بین نهادهای مختلف جامعه، کانون مقدس خانواده بهترین مکان برای تربیت جسم و روان است. خانواده کانون نوع دوستی و یگانگی زن و مرد می‌باشد که برای آنها بهترین فرصت را برای اتفاق و اتحاد بر اساس صمیمیت هر چه بیشتر و دوام هر چه فزون‌تر اخلاقی، جسمانی و روانی به وجود می‌آورد (ابراهیمی بختور،

۱۳۶۴: ۴۶). بنابراین به دلیل اهمیت ویژه خانواده، محققین در صدد کشف راز و رمزهایی هستند که موجبات رضامندی زناشویی را فراهم می‌سازد. رضایت زناشویی یکی از عوامل مؤثر در ثبات و پایداری خانواده‌ها و در عین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان است. به عقیده اولسون^۱ (۱۹۹۷) به نقل از بختیاری، (۱۳۸۷). سه زمینه کلی رضایت‌مندی که با هم تداخل دارند و وابسته به یکدیگرند عبارتند از: رضایت افراد از ازدواج‌شان، رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از زندگی به طور کلی. تحقیقات اولسون و دیگران (۱۹۹۷) نشان داد که ضریب همبستگی بین رضایت از زندگی زناشویی و رضایت از خانواده حدود ۷۰ درصد است و ضریب همبستگی بین رضایت از خانواده و رضایت از زندگی به طور کلی حدود ۶۷ درصد است. در سال- های اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان مرد و زن به سستی گراییده است و سطح رضایت زناشویی کم شده است (ستوده، ۱۳۷۹). آمار طلاق در ایران در دو ماهه اول ۱۳۸۱، ۵۸۳۲ مورد و ازدواج ۲۸۲۷ مورد در دفاتر ثبت احوال استان تهران به ثبت رسیده است. یعنی از هر دو ازدواج یکی به طلاق انجامیده است. در استان تهران در سال ۱۳۸۴، طلاق حدود ۲۰ درصد ازدواج‌ها را شامل می‌شد. طی نه ماه اول سال ۱۳۸۵، طلاق در تهران ۱۳ درصد نسبت به مدت مشابه در سال قبل افزایش یافت. در همین مدت ازدواج ۵/۰ درصد کاهش داشته است. در همین مدت حدود ۹۱ هزار مورد ازدواج و ۱۹ هزار طلاق در اداره ثبت احوال استان تهران به ثبت رسیده است، یعنی ۲۱ درصد ازدواج‌ها به طلاق انجامیده است. استاندار تهران عنوان می‌کند که در حال حاضر ۹۵ درصد جوانان و نوجوانانی که در بازداشت‌گاه به سر می‌برند، فرزندان طلاق هستند (بخارایی، ۱۳۸۷: ۶۵). این آمار وضعیت نابسامان خانواده‌ها و کاهش رضایت از زندگی زناشویی در کشور ما را بیان می‌کند زیرا کاهش رضایت از زندگی زناشویی سبب بروز اختلافات خانوادگی و در صورت حل نشدن سبب بروز طلاق می‌تواند باشد. در مورد رضایت زناشویی زنان در شهر آذرشهر تا کنون مطالعه مدونی انجام نشده است و با توجه به گذار انواع خانواده‌ها از گسترده به هسته‌ای، سطح استقلال زنان در زندگی بیشتر شده است، به طوری که بر اساس تحولات محیطی از

جمله احداث دانشگاه تربیت معلم آذربایجان در این شهر به عنوان شاه‌راه ارتباطی در استان آذربایجان شرقی و غربی و به دنبال آن افزایش سطح تحصیلات مردان و زنان و احداث شهرک شهید سلیمی و افزایش شاغلین در کارخانه‌های این شهرک و افزایش اشتغال زنان در این مکان، به نظر می‌رسد نوع انتظارات زنان در درون خانواده تغییر کرده است ولی در مورد دیدگاه‌ها و انتظارات زنان از زندگی اطلاع دقیقی در دست نیست. بنابراین با توجه به اهمیت و نقش رضایت از زندگی زناشویی در روابط بین زوجین و با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف در این زمینه لزوم توجه و بررسی این متغیر در جهت کاهش اختلافات و تعارضات خانوادگی و افزایش رضایت در روابط زناشویی احساس می‌شود. بنابراین این مقاله درصدد است عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط بر رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان متأهل شهر آذرشهر را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۲- مبانی نظری

فرهنگ معین «رضا» را خشنودی، خوش‌دلی، صلاح و صواب‌دید و رضایت را قبول، رضامندی، خوشحالی و خشنودی می‌داند (محسنی و دیگری، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲). رضایت یک حالت هیجانی است که با رسیدن به هدف پدید می‌آید (پورافکاری، ۱۳۷۳ به نقل از گیوکی و داوودی، ۱۳۸۸). کارلسون و همکاران معتقدند رضایت از رابطه فرد به کیفیت رابطه بستگی دارد. اگر رابطه‌ای مطلوب بوده و با امیدها و انتظارات هماهنگ باشد، رابطه رضایت بخش خواهد بود. البته ادراک فرد از مطلوبیت یک رابطه، رضایت‌مندی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما در این میان ممکن است رابطه، منافی هم برای فرد داشته باشد ولی او رابطه را رضایت بخش نداند (سیرز، ۱۹۸۸). هاکنیز رضایت زناشویی را یک خصوصیت فردی زن یا شوهر تلقی می‌کند که نگرشی مثبت و لذت‌بخش است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند و نارضایتی زناشویی در واقع نگرش منفی و ناخوشایندی از جنبه‌های مختلف زناشویی است (به نقل از گیوکی و داوودی، ۱۳۷۸). کارنی^۱ و

1 - Sears

2 - Karni

کومبز^۱ (۲۰۰۰، به نقل از میبید، ۱۳۸۸) رضایت زناشویی را در توافق زن و شوهر در مورد اموری که ممکن است مسائل حادی به بار آورد، مثلاً علایق و فعالیت‌های مشترک، ابراز علاقه‌مندی مکرر و اعتماد متقابل، شکوه و شکایت اندک و شکایت نادر از احساس تنهایی، سیه‌بختی، رنجش و مانند این‌ها ذکر می‌کند.

مازلو نیازهای اساسی انسان را در ۵ دسته طبقه‌بندی نموده است و در میان این نیازها به وجود نوعی سلسله مراتب اشاره دارد و مدعی است که بروز هر دسته از این نیازها صرفاً به دنبال ارضاء شدن نیازهای اساسی‌تر و «فروتر» از خود ممکن است. افزون بر این، مازلو بر آن است که در پی بروز هر دسته از این نیازها؛ در خلال فرآیندی که آنرا «انگیزش محرومیت» می‌نامد، کلیه کنش‌ها و واکنش‌های فرد در جهت ارضای آن قرار می‌گیرد، تا آن‌جا که همهی رفتارهای فرد را در آن مقطع خاص می‌توان نمودی از آن نوع نیاز محسوب داشت (مازلو، ۱۳۶۷: ۱۱۰). به نظر مازلو اگر نیازهای طبقات پایین برآورده شود فرد از لحاظ جسمانی و عاطفی احساس امنیت می‌کند، اگر نیاز به تعلق، محبت، پیوستگی و پذیرش برآورده شده باشد و فرد به احترام، پیشرفت و اعتبار و مقام لازم خود برسد، نیازهای شناختی و علمی لازم را کسب کند، به نیازهای زیبایی، نظم و هنر پاسخ بدهد، به خودشکوفایی رسیده و می‌تواند رضایت کامل را تجربه کند. در این وضعیت فکری و یا ساختار شخصیت است که مفهوم رضایت از حد متعارف و زندگی روزمره فردی تجاوز کرده به مفهومی عام و جهانی، به مقوله‌ای پایدار و فراگیر مبدل می‌شود (محسنی و دیگری، ۱۳۸۲: ۱۴)

از نظر پارسونز هر نظام اجتماعی از تعدادی افراد که با یکدیگر کنش متقابل دارند تشکیل شده است و «انگیزه آنان گرایش به ایجاد و شرایط مطلوب جهت ارضای امیال است». عامل فرد به عنوان واحد اصلی نظام اجتماعی در این رابطه تنها با جزئی از نظام تشکیل دهنده شخصیتش و نه به عنوان کلیتی تام شرکت دارد. یعنی، فرد به عنوان حامل نقش انجام وظیفه می‌کند نقش اجتماعی عبارت از مجموعه انتظارات رفتاری مبتنی بر هنجار که توسط محیط اجتماعی به فردی که دارای یک موقعیت معین است القاء می‌شود حراست از قواعد و مقررات مربوط به نقش تا حد زیادی با پاداش و کیفر

دادن تضمین می‌شود (روزن باوم، ۱۳۶۷: ۸۴-۸۲). وی بر روی مسائلی مانند وابستگی فرد به نقش و توزیع مقدرات و پاداش‌ها (Facilities and Rewards) تأکید دارد هر نظام اجتماعی بر تنوع و تعدد نقش استوار است، بنابراین الزامی است که مناسبات بین افرادی که حامل نقش‌های گوناگون هستند استقرار یابد. در روند استقرار مناسبات حاکم در میان افراد، امکان اعمال زور نیز پیش می‌آید. یعنی اعمال قدرت برای نیل به اهدافی که خود تعیین‌کننده ویژگی‌های مالکیت و قدرت هستند اهمیت می‌یابد. حق استفاده از ابزار قدرت، متناسب با محتوا و معنای نقش اجتماعی است نظر پارسونز در مورد خرده نظام اجتماعی خانواده این است که شرایط دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده هسته‌ای وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضا گروه کوچک خانواده است اولین شرط عبارت است از وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان و دومین شرط عبارت از وجود اختلاف در میان نقش‌های ابزاری (Instrumental) و نقش‌های بیانگر (Expressive) از نظر او مرد نقش ابزاری Instrumental role زن نقش بیانگر Expressiveness role دارد نقش ابزاری بیشتر شامل حالات مردانه و نقش بیانگر شامل حالات زنانه است. به اعتقاد او این تقسیم نقش باعث حفظ وحدت خانوادگی می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷: ۷۱) مرد رئیس خانواده و نقش نان‌آور را بر عهده دارد، زن نقش کدبانوی خانه را ایفاء می‌کند، نقش اقتصادی مرد و شغل وی قاطع‌ترین تعیین‌کننده پایگاه حقوقی خانواده و نقش اصلی مرد در جامعه است. در نتیجه شرکت مرد در کار منزل به حداقل می‌رسد و خانه‌داری و بچه‌داری اساسی‌ترین فعالیت‌ها و نقش زن است (میشل آندره، ۱۳۵۴: ۷۳). پارسونز این تقسیم نقش را بهترین شکل، برای حفظ وحدت خانوادگی می‌داند و تداخل هر نوع نقش دیگر را سبب برهم خوردن تعادل زندگی به حساب می‌آورد، زیرا به خصوص در حالت اشتغال زن او حالت بیانگر را از دست داده و تبدیل به رقیب شغلی شوهر خود می‌شود، رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷: ۷۱ و ۱۲۰).

اشتغال زن از جمله مهم‌ترین عواملی است که بر حیات خانواده مؤثر است. دست‌یابی زنان به منابع اقتصادی ناشی از کاربرد خارج از خانه و تسخیر فضاهای تازه اجتماعی توسط آنان ساخت چند صد ساله خانواده را دگرگون ساخته است و ضرورتاً

پیدایی تعادلی نو را در خانه ایجاب می کند. در درون خانه روابط سنتی زوجین باید پایه‌هایی نو یابد، همان طور که توزیع وظایف باید ساختی نو پذیرد (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۸۸). از نظر زن اشتغال نیازهای بسیاری را برآورده می‌سازد، از جمله درگیر شدن با کار، تنوع، چالش‌انگیزی و قدرت که ممکن است در صرف نقش خانه‌داری، با همه‌ی اهمیت‌اش ارضاء نشود (کارلسون، ۱۳۷۸: ۴۳). به نظر می‌رسد که زنان هنگامی که به استقلال مالی می‌رسند، آرامش خاطر بیشتری دارند و همین آرامش خاطر تأثیر بسزایی بر روابط وی با همسر، بچه‌ها و سایر اقشار جامعه می‌گذارد که باعث به وجود آمدن رضایت زناشویی در زندگی می‌شود (قائمی، ۱۳۷۳: ۸۳).

نظریه منابع یکی از نظریه‌هایی است که ویلیام گود به آن پرداخته است. بر پایه نظریه منابع، نظام خانواده، مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظام اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضاء را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد. گود استدلال نمود که منابعی مانند موقعیت، منزلت اجتماعی، پایگاه فرد در بیرون از خانواده، شغل، اقتدار سیاسی و ...، قدرت اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱). معمولاً در اکثر موارد دو قطب یعنی قدرت‌مند و کسی که قدرت تحمل می‌کند دیده می‌شود و حتی در خانواده بین زن و شوهر، هر چند که علی‌الظاهر خانواده کانون عشق و محبت بوده و واژه قدرت بیشتر در بیان روابط بین گروه‌های سیاسی اقتصادی به کار می‌رود طرح آن در مورد خانواده نامأنوس است، اما اگر بپذیریم که خانواده گروهی تشکیل شده از اعضای است که منابع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را می‌طلبد و گاه و بی‌گاه به خاطر تضاد بر سر منافع با یکدیگر به مبارزه و جدال عینی و غیر عینی می‌پردازد در خواهیم یافت که عنوان کردن و اعمال واژه قدرت (از روابط زن و شوهر در خانواده) چندان هم بی‌مورد نیست. بنابراین تضاد بر سر قدرت بین زن و مرد در خانواده به وجود می‌آید. هر کدام از این دو برای افراد منزلت مهم‌تری از طریق توسل به امکانات مالی فرهنگی، اخلاقی در مسلط شدن بر دیگری و نیل به اهداف خود تلاش می‌کنند، گاه این نبرد بر سر تکلیف فرزندان در انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب همسر، بر سر سیادت نام در خانواده هر زمانی به خاطر مسایل عاطفی و غیره اتفاق می‌افتد

(صدر نبوی، ۱۳۷۰: ۳۳۰) بیشتر مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که زوج‌های خوشبخت به دلیل تصمیم‌گیری مشترک، گفت و گوی مفید و توافق متقابل و مشترک به عنوان نمونه، مشخص می‌شوند. سلطه یک همسر یا اختلافات گسترده، بر سر قدرت با طلاق و نارضایتی زناشویی ارتباط دارد. طلاق و نارضایتی زناشویی بیشتر با تصمیم‌گیری موضوعات مربوط به پول ارتباط دارد (شنینگر و باس، ۱۹۸۶: ۱۳۰-۱۳۱) در صورتی که طرفین (زن و شوهر) درباره خرج کردن گرایش‌هایی متفاوت داشته باشند، ممکن است تنش‌ها و تضادهایی به وجود آیند. وقتی هدف یکی از دو طرف صرفه‌جویی شدید و پس‌انداز دقیق باشد و دیگری عادت به حیف و میل داشته باشد، تضادها غیرقابل اجتناب هستند. تود و فریدمن دریافته‌اند که در ازدواج‌های ناموفق، شوهران تمامی تصمیم‌گیری‌های مهم: کجا زندگی کنند، چگونه پول خود را صرف کنند و ... را انجام می‌دادند (استورات و گلین، ۱۹۸۸: ۳۷۱-۳۷۴ به نقل از چلی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

هور کهایمر معتقد است که از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار آماده می‌سازد، در مقام اول خانواده قرار دارد. افراد از طریق خانواده، قابلیت قبول رفتارهای اقتداری که موجودیت جامعه بورژوازی به آن وابسته است را کسب می‌کند، از طرف دیگر او معتقد است که خانواده گذشته از آن که روابط اقتداری را به فرد می‌آموزد تنها مکانی است که افراد آن مشکلات خود را به راحتی بیان می‌کنند. وی در مقاله مشهور خود «اقتدار و خانواده در دوران معاصر» اشاره می‌کند که هر چند در دوران قبل، پدر خانواده به علت مالکیت بر اموال خانواده دارای قدرتی بود اما در اثر دگرگونی‌های اقتصادی جامعه و از میان رفتن واحد تولیدی خانواده به پدری حقوق‌بگیر و وابسته به کارفرما تبدیل شده است به این ترتیب اقتدار پدری که در دورانی طولانی شرط ضروری بقاء جامعه بود بی‌معنا شد. اما در جوامع صنعتی هنوز بر آرمان پدر مقتدر در خانواده تأکید می‌کردند و او معتقد بود که تأکید بر اقتدار در زمانی که از لحاظ اجتماعی ضرورت آن وجود ندارد، مشکل‌ساز خواهد بود. در جوامع صنعتی در حالی که خانواده به عنوان یک واحد تولیدی به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد روابط و آرمان‌های درون خانواده نیز باید خود را با شکل جدید هم‌پا سازند اما هر اندازه که از اهمیت خانواده به عنوان یک واحد اساسی اقتصادی،

بیشتر کاسته می‌شود، تأکید جامعه بر روی حفظ شکل سنتی آن بیشتر می‌گردد و در این میان به خصوص زنان، بیشتر از مردان صدمه می‌بینند، زیرا نه تنها باید خود را با نقش نان‌آور، در جهان مردان منطبق سازند، بلکه مجبور به ارائه نقش‌های سنتی زن خانه‌دار نیز هستند» (Horkheimer, 1977: 82) به نقل از اعزازی، (۱۳۸۷: ۹۱). آندره میشل در مورد قدرت می‌گوید: رضایت زنان در ازدواج رابطه معکوس و معناداری با میزان قدرت شوهران‌شان دارد. از نظر ژرژ موکو نقش‌های مستبدانه مرد در زن این تصور را به وجود می‌آورد که انسانی بی‌ارزش است، و عدم تعادل خانواده می‌تواند ترجمان این مطلب باشد (میشل آندره، ۱۳۵۴: ۱۰۴).

برگس (۱۸۸۶، ۱۹۶۶) خانواده را به عنوان سازمان اجتماعی می‌داند. وی در قلمرو گزینش همسر، به همسان‌همسری اعتقاد دارد، زیرا به نظر وی انسان‌ها در هر شرایطی چنان که شباهتی از دیدگاه‌های سنی، خانوادگی، تحصیلی، نژادی و ملی با یکدیگر داشته باشند، گرایش بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. این همسانی خانواده را نیز سعادت‌مندتر می‌سازد. هم چنان که کاهش میزان طلاق را منجر می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۷). اگر دو شریک ازدواج هم سن باشند از نو ساختن سرنوشت، بر مبنای خاطره مشترک پیوسته انجام می‌گیرد. علاوه بر سن بسیاری از خصوصیات دیگری نیز وجود دارد که اشتراک یا تشابه آنها بین زن و شوهر موجب نزدیکی هر چه بیشتر آنها خواهد بود. میزان تحصیلات یکی دیگر از این عوامل است که بر ازدواج تاثیر می‌گذارد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۴۳). انسان‌ها معمولاً در پی گزینش همسرانی هستند که همسان و هم‌شان خودشان باشند تفاهم زن و شوهر، هماهنگی در عواطف و احساسات، سازگاری در اخلاق و رفتار و اشتراک در جهان‌نگری و منافع، اساس ازدواج‌های موفق را تشکیل می‌دهند و هر اندازه زن و شوهر وجه اشتراک و همسانی بیشتری داشته باشند همان قدر در ارضای همدیگر موفق‌اند (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۶۰-۱۵۸). به عقیده هیل، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان‌شان (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۴۶). در واقع سازگاری زناشویی زمانی حاصل می‌شود که زن و شوهر در جنبه‌های مختلف کمترین فاصله و تقابل را داشته باشند، به عبارتی مشابهت‌ها و همسانی‌ها موافقت را به ارمغان می‌آورند، به طور کلی همسان‌همسری شاخص‌های

متفاوتی دارد که در این میان می‌توان به همسانی سنی، تحصیلی، به وضعیت یا پایگاه شغلی، همسانی طبقاتی اشاره کرد (حسینی، ۱۳۶۷: ۵۴).

آلن ژیرار می‌نویسد: «بیشتر اوقات، افرادی با هم پیوند زناشویی می‌بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند». هرچند دانشمندان در پذیرش این که تفاوت وسیع سنی میان زن و شوهر در اکثر موارد هم چون عاملی زیان‌مند بر سلامت خانواده تاثیر می‌گذارد، جملگی هم‌داستان هستند، با این حال در تعیین مرزهایی که اختلاف سنی نباید از آن فراتر رود، وحدت نظر ندارند. به عقیده برنارد بیشترین خرسندی برای زنان هنگامی حاصل می‌شود که با مردی ازدواج کنند که پنج تا شش سال سال‌مندتر از ایشان باشد و برای مردان همین خرسندی هنگامی به وجود می‌آید که میان صفر تا ده سال بزرگ‌تر از همسران‌شان باشند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۶۳). نتیجه‌گیری دقیق و مشخص از عقاید و اطلاعات گوناگون این است که فاصله وسیع سنی که شکاف سنی تعبیر می‌شود به استواری و پایداری کانون خانوادگی کمکی نخواهد کرد. هرچند در مورد میزان تفاوت سنی هنجاری در دست نیست (همان: ۶۴).

حیات خانواده از عناصر متعددی تشکیل می‌شود که سن زوجین و فاصله آن یکی از آنهاست بنابراین لزوماً در نتیجه یک عامل، حیات خانوادگی در معرض تهدید قطعی قرار نمی‌گیرد و بسیاری از افرادی که شکاف وسیعی زندگی آنان را از همسران-شان جدا می‌سازد ولی علی‌رغم آن از زندگی زناشویی موفق برخوردارند. تنها می‌توان گفت چنانچه عوامل دیگری بر این عامل افزوده شوند و با آن بیامیزند و موجبات تقویت آن را فراهم سازند، زندگی خانوادگی به مخاطره می‌افتد. هرچند شکاف سنی را می‌توان از عوامل دانست که در صورت ترکیب با دیگر عوامل منفی می‌تواند موجبات کاهش ابعاد کیفی و حتی قطع پیوند زوجیت را فراهم سازد، لیکن میزان تاثیر این عامل در همه شرایط یکسان نیست. به عنوان مثال در شرایط یک جامعه سنتی که فراوانی این نوع خانواده‌ها به حدی است که آن را به صورت یک هنجار رایج و پذیرفته اجتماعی در می‌آورد، اثر عامل شکاف سنی به غایت محدود خواهد بود (همان: ۶۶-۶۴).

سرمایه اجتماعی از جمله عواملی است که در روابط خانواده تأثیر دارد. پاتنام سرمایه اجتماعی را به دو سطح کلان و خرد تقسیم می‌کند (منتظری، ۱۳۸۵: ۷۰ به نقل از کلانتری، ۱۳۸۸).

با گسترش روابط و سرمایه‌های اجتماعی یأس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی کاهش می‌یابد و بالعکس، کاهش یا تضعیف روابط و سرمایه اجتماعی (انزوای اجتماعی) زمینه مساعدی برای تقویت یأس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی فراهم می‌سازد با توسعه سطح روابط و سرمایه اجتماعی، تحمل اجتماعی افزایش می‌یابد و با کاهش سطح روابط و سرمایه اجتماعی (انزوای اجتماعی) تحمل اجتماعی کاهش می‌یابد (چلبی، ۱۳۸۳: ۲۰). می‌توان انتظار داشت که اگر سطح روابط و سرمایه اجتماعی افراد افزایش یابد، از میزان یأس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی آنها کاسته می‌شود و بالعکس با کاهش روابط و سرمایه اجتماعی (انزوای اجتماعی)، یأس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی تقویت گردد (همان: ۲۵).

به اعتقاد چلبی هر قدر در سطوح مختلف شبکه‌ی روابط اجتماعی جامعه روابط امداد رسانی در ابعاد مختلف معرفتی (راهنمایی، و مشاوره و آموزش)، مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همدردی) و منزلتی (اعاده کرامت انسانی) بیشتر باشد به همان نسبت میزان یأس اجتماعی و احساس عجز کاهش می‌پذیرد. چلبی معتقد است تحمل اجتماعی با توسعه شبکه اجتماعی فرد افزایش می‌یابد و با تضعیف آن کاهش می‌یابد (همان منبع: ۱۱). کاهش شکاف میان حوزه‌ی خصوصی و عمومی و هم چنین تقویت اجتماعی جامعه‌ای می‌تواند اعتماد اجتماعی و احساس امنیت و رضایت را در سطح جامعه تقویت نماید (همان: ۲۸).

دین از نظر دورکیم یک نیروی اجتماعی محسوب می‌شود که به صورت تعهدات اخلاقی رفتار و کردار فرد را کنترل می‌کند و مهم‌ترین کارکرد آن وحدت اجتماعی است دورکیم دین را پدیده اجتماعی دانسته و می‌نویسد: «دین عبارت است از یک نظام متشکل از عقاید که افراد را تحت سازمان اجتماعی خاصی به هم نزدیک و متشکل می‌کند. علاوه بر این وی بر کارکردهای دیگر دین در انضباط بخشی و حفظ و

انتقال میراث اجتماعی گروه و پدیدآوردن احساس خوشبختی در مؤمنان تأکید کرده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰: ۵۴)

در بررسی که گلن و ویور انجام داده‌اند آشکار شد که مراسمات مذهبی از جمله رفتن به کلیسا بیش از دیگر متغیرهای مورد بررسی رضامندی از زندگی را پیش‌بینی می‌کند، هم چنین اسپراوسکی و هاگستون (۱۹۷۸) نشان دادند افرادی که برای مدت طولانی باهم زندگی کرده بودند مذهب را به عنوان مهم‌ترین عامل رضامندی تلقی کرده‌اند (حیدری، ۱۳۸۵: ۳۳).

در رابطه با طول مدت ازدواج، مطالعات نشان داد که با ادامه ازدواج، خشنودی روبه کاهش می‌رود. زن در دوره ماه عسل و قبل از تولد اولین فرزند از هر زمان دیگر راضی‌تر به نظر می‌رسد. پینه او - بر اساس تحقیقات والن و بورگس که روی ۱۰۰۰ زوج انجام گرفته (سه سال بعد از ازدواج و ۲۰ سال بعد از ازدواج) نشان داد که هر چه از ازدواج می‌گذرد، رضایت و سازگاری زن و شوهر نیز کاهش می‌یابد (میشل آندره، ۱۳۵۴: ۲۰۳).

هر چه از ازدواج می‌گذرد زن و شوهر بیشتر احساس می‌کنند که رفاقت و دوستی همسران‌شان را از دست داده‌اند. در یک مطالعه در آمریکا ۴۲٪ زنان و ۴۴٪ شوهران اظهار کرده‌اند که در ابتدای ازدواج لااقل در روز یک‌بار با یکدیگر می‌خندند، به تبادل افکار می‌پرداختند و با آرامی گفتگو و با هم کار می‌کردند. روابط مزبور با رسیدن اولین فرزند، کاهش می‌یابد (همان).

نتایج تحقیق واقعی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که اختلاف معنی‌داری بین میانگین رضایت زناشویی کارمندان در دانشگاه وجود ندارد. عمده‌ترین میزان نارضایتی بین مؤلفه‌های نه‌گانه رضایت زناشویی در زمینه روابط جنسی و حل تعارض بود. نوع ازدواج بر میزان رضایت زناشویی تأثیرگذار نبود. اما سطح تحصیلات بر میزان رضایت زناشویی تأثیرگذار بود. نکته جالب توجه این است که کارمندان با تحصیلات لیسانس و بالاتر رضایت کمتری از زندگی زناشویی خود نسبت به کارمندان با تحصیلات فوق دیپلم و زیر دیپلم داشتند.

نظری و سلیمانان (۱۳۸۶) نیز در تحقیق خود نتیجه گرفتند رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل بیشتر از زوج‌های یکی شاغل است. در سایر مقیاس‌های رضایت زناشویی یعنی ارتباط عاطفی، ارتباط جهت‌دار، پرخاشگری، مسایل مالی، مسایل جنسی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتایج تحقیق فراست (۱۳۸۱) نشان داد که بین سن، تعداد فرزندان، مدت ازدواج و میزان درآمد خانواده، رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری به دست نیامد و زنان خانه‌دار رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود داشتند.

نیکویی (۱۳۸۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که جهت‌گیری دینی بیرونی یعنی استفاده ابزاری از دین با رضایت از زندگی زناشویی همبستگی ندارد ولی جهت‌گیری درونی دینی با رضایت از زندگی زناشویی همبستگی دارد.

نتایج تحقیق موسوی و همکارانش (۱۳۸۷) نشان داد که تعارضات زناشویی در بین افرادی که قبل از ازدواج رابطه داشته‌اند، نسبت به افرادی رابطه نداشته‌اند کمتر است، زیرا همکاری زوجین در بین آنانی که ارتباط داشته‌اند پس از ازدواج کاهش معنی‌داری دارد. هم‌چنین ایشان به این نتیجه رسیدند که گذراندن اوقات با همدیگر در بین زوجین دارای ارتباط قبلی، پس از ازدواج کاهش چشمگیری دارد (موسوی، ۱۳۸۷).

در تحقیق دیگری بختیاری (۱۳۸۷) ذکر کرد که زوج‌هایی که فرزندان آنها ازدواج کرده و خانواده را ترک کرده‌اند بالاترین میزان رضایت‌مندی را از زندگی زناشویی دارند و زوج‌هایی که فرزند یا نوجوان دارند پایین‌ترین سطح رضایت‌مندی از زندگی زناشویی را نشان می‌دهند (بختیاری، ۱۳۸۷).

در بررسی دیگری ذوالفقارپور (۱۳۸۰) به این نتیجه رسید که با افزایش قدرت زن در خانواده رضامندی زناشویی وی کاهش می‌یابد. خانواده‌هایی که به طور سنتی تصمیم‌گیری می‌شود و مرد تصمیم‌گیرنده نهایی در خانواده است نیز رضایت زناشویی در خانواده بیشتر است ولی در مواردی که زن تصمیم‌گیرنده است رضایت زناشویی پایین است.

نتایج تحقیق روحانی و معنوی‌پور (۱۳۸۶) نشان داد که بین دینداری با شادکامی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد و دینداری و سن، پیش‌بینی-کننده‌های مناسبی برای رضایت زناشویی و شادکامی محسوب می‌شوند.

نوروزیان (۱۳۸۵) در تحقیق خود نتیجه گرفته است که شاغل و خانه‌دار بودن زنان نتوانسته بر روی میزان رضایت زناشویی زنان تأثیر داشته باشد. بین تحصیلات (گروه-های تحصیلی) و تعداد فرزندان با رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار وجود نداشت. میزان رضایت زناشویی در بین زنان براساس مدت ازدواج متفاوت بود.

نتایج تحقیق عطاری و همکاران (۱۳۸۴) نشان داد که بین سن ازدواج، فاصله‌ی سنی زن و شوهر، تحصیلات با رضایت زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود نداشت. میزان درآمد با رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت و بین تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج با رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی داشتند. در تحقیقی که در سال ۱۹۱۸ توسط کوئینگ و کوال (Koenig and Kvale) و ماتون (Maton) و پالر و پندلتون (Paler and Pandelton) و هم‌چنین تحقیق دیگری که توسط هانس برگر (Hans Berger) در سال ۱۹۹۱ انجام شد و نتیجه این بود که مذهب دارای یک ارتباط مثبت با احساس رضایت و سازگاری در زندگی است (به نقل از جمالی، ۱۳۸۱).

۳- فرضیه تحقیق

بین عوامل اجتماعی- فرهنگی و رضایت از زندگی زناشویی رابطه وجود دارد.

۴- روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد.

۵- جامعه آماری، نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر، زنان متأهل بالای ۱۵ ساله می‌باشد که از میان زنان شهر آذرشهر انتخاب می‌گردند. تعداد زنان شهر آذرشهر با مراجعه به سالنامه آماری سال ۱۳۸۶ برابر با ۱۷۹۲۷ نفر بوده است. که ۱۱۲۸۴ نفر آن بالای ۱۵ ساله هستند و

۹۳۲۵ نفرشان متأهل هستند. پس جامعه آماری تحقیق حاضر ۹۳۲۵ نفر می‌باشد. و نمونه‌گیری از میان جمعیت زنان متأهل بالای ۱۵ ساله صورت گرفته است. حجم نمونه با استفاده از فرمول زیر برآورد می‌گردد:

$$n = \frac{Nt^2Pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{9325 \times 1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{[9325 \times (0/05)^2] + [1/96^2 \times 0/5 \times 0/5]} = \frac{8955}{24/27} = 354$$

در تحقیق حاضر شهر آذرشهر به ۱۵ محله تقسیم شد از بین ۱۵ محله ۵۰ درصد یعنی ۸ محله به تصادف انتخاب و به تناسب تعداد منازل مسکونی و خانواده‌های ساکن اقدام به نمونه‌گیری شد و فواصل نمونه‌ها بین ۵ تا ۸ منزل مسکونی بود.

۶- ابزار اندازه‌گیری

برای سنجش رابطه بین متغیرها در تحقیق حاضر از پرسش‌نامه محقق ساخته با ۵۹ سؤال استفاده شد. پرسش‌ها به صورت سئوالات بسته و باز و در مقیاس‌های اسمی، نسبی، فاصله‌ای و رتبه‌ای طرح گردیدند و در نهایت برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته با احتساب مجموع نمرات برای هر شخص در رابطه با متغیرهای ذکر شده از طیف لیکرت استفاده شده است.

۷- تعیین اعتبار (Validity) ابزار پژوهش و قابلیت اعتماد (Reliability)

در تحقیق حاضر از انواع موجود اعتبار، اعتبار صوری استفاده شده است. پرسش‌نامه بعد از طراحی در اختیار متخصصین و اساتید علوم اجتماعی و تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد قرار داده شد و نظرات آنها در مورد تک‌تک گویه‌ها جمع‌آوری گردید و در طرح نهایی پرسش‌نامه اعمال گردید و پس از رفع نقایص و نارسایی‌های موجود در پرسش‌نامه، برای گردآوری داده‌ها استفاده گردید. برای اندازه‌گیری قابلیت اعتماد آن نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آلفای محاسبه شده برای هر یک از مفاهیم بیش از ۰/۶ به دست آمده است.

۸- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۱/۵ انجام شده است.

۹- یافته‌های تحقیق

۹-۱- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

جدول شماره (۱): آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
سن زنان	۳۵۴	۳۵/۰۲	۹/۱۸	-۰/۰۴۰	۱۶/۰۰	۵۸/۰۰
سن همسر	۳۵۴	۴۰/۵۲	۹/۵۶	۰/۱۸۱	۲۱/۰۰	۷۲/۰۰
رضایت زناشویی	۳۵۴	۷۷/۲۳	۱۶/۵۶	-۱/۱۰۳	۱۵/۰۰	۱۰۰/۰۰
دینداری	۳۵۴	۸۰/۱۹	۱۲/۷۷	-۰/۸۳۶	۲۲/۵۰	۱۰۰/۰۰
سرمایه اجتماعی	۳۵۴	۷۲/۳۹۱۷	۱۱/۸۰۰۱۳	-۰/۵۱۳	۳۳/۳۳	۱۰۰/۰۰
طول مدت ازدواج	۳۴۸	۱۴/۹۰	۹/۷۷	۰/۴۶۲	۱/۰۰	۴۰/۰۰

۹-۲- همبستگی بین متغیرهای دینداری، سرمایه اجتماعی، سال‌های زندگی

زوجین و فاصله سنی با رضایت زناشویی

برای سنجش همبستگی بین متغیرهای دینداری، سرمایه اجتماعی، سال‌های زندگی زوجین و فاصله سنی با رضایت زناشویی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و به ترتیب مقدار پیرسون برابر ۰/۳۵، ۰/۳۴۹، ۰/۱۸۸، و ۰/۰۵۳- به دست آمد. با توجه به اطلاعات جدول شماره (۲) و سطح معنی‌داری آنها بین میزان دینداری و سرمایه اجتماعی با میزان رضایت زناشویی همبستگی معنی‌دار مستقیم وجود داشت، ولی بین سال‌های زندگی زوجین و رضایت زناشویی همبستگی معکوس به دست آمد.

جدول شماره (۲): رابطه‌ی بین میزان دینداری

و سرمایه اجتماعی با رضایت زناشویی

متغیرها	رضایت زناشویی
میزان دینداری	$r = ۰/۳۵۰$ $P = ۰/۰۰۰$ $n = ۳۵۴$
سرمایه اجتماعی	$r = ۰/۳۴۹$ $P = ۰/۰۰۰$ $n = ۳۵۴$

$r = -0.188$ $P = 0.000$ $n = 348$	سال‌های زندگی زوجین
$r = -0.053$ $P = 0.319$ $n = 354$	فاصله سنی

۹-۳- مقایسه میزان رضایت زناشویی بر اساس وضعیت شغلی و سطح تحصیلات زنان
 برای مقایسه میزان رضایت زناشویی بر اساس وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات
 زنان از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. اطلاعات جدول شماره (۳) حاکی از
 آن است که میزان رضایت بر اساس وضعیت شغلی غیرمعنی‌دار و با سطح تحصیلات
 معنی‌دار می‌باشد و میزان رضایت زناشویی در زنان با سطح تحصیلات بالا بیشتر و در
 بی‌سواد کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۳): مقایسه رضایت زناشویی بر اساس وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات زنان

p	F	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال
0/08	2/281	99/17	41/67	15/14	82/99	32	شاغل
		93/33	50/83	14/48	72/68	18	اداری
		93/33	50/00	16/49	69/16	7	غیراداری
		100/00	15/00	16/79	78/36	218	غیر شاغل
		100/00	15/00	16/59	78/30	275	کل
0/001	3/806	97/50	15/00	18/85	71/57	75	بی‌سواد
		98/33	32/50	13/23	77/83	68	ابتدایی
		100/00	38/33	15/81	75/76	58	راهنمایی
		100/00	49/17	15/42	75/20	28	دبیرستان
		100/00	35/83	16/23	82/13	80	دیپلم
		100/00	28/33	16/72	78/54	39	لیسانس
		100/00	96/67	1/66	98/33	3	فوق لیسانس و بالا تر
		100/00	15/00	16/57	77/17	351	کل
0/000	76/214	100/00	15/00	20/03	57/38	51	استبدادی
		100/00	19/17	13/30	78/47	247	اقتدارگرا
		100/00	50/00	8/44	89/80	56	اشتراکی
		100/00	15/00	16/56	77/23	354	کل

۹-۴- مقایسه میزان رضایت از زندگی زناشویی براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی برای سنجش میزان رضایت از زناشویی بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید و نتایج نشان داد که میزان رضایت از زندگی زناشویی براساس پایگاه اقتصادی اجتماعی متفاوت به دست آمده و میزان رضایت در خانواده‌های با پایگاه بالا بیشتر از سایر پایگاه‌ها بوده است.

جدول شماره (۴): آزمون تحلیل واریانس رضایت از زندگی زناشویی براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده

پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
پایگاه پایین	۱۵۴	۷۶/۲۵	۱۶/۵۲۰	۱۵/۰۰	۱۰۰/۰۰
پایگاه متوسط	۸۴	۸۰/۵۵	۱۵/۸۱۷	۲۸/۳۳	۱۰۰/۰۰
پایگاه بالا	۴	۹۰/۶۲	۱۱/۷۷۲	۷۳/۳۳	۹۹/۱۷
کل	۲۴۲	۷۷/۹۸	۱۶/۳۷۱	۱۵/۰۰	۱۰۰/۰۰

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه عوامل اجتماعی - فرهنگی با میزان رضایت زناشویی در میان زنان آذرشهر به انجام رسیده است. یافته‌های توصیفی نشان داد که رضایت زناشویی در بین زنان در حد بالایی می‌باشد ($9/56 \pm 77/23$). نتایج تحلیل پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین دینداری زنان و رضایت زناشویی در آنان همبستگی معنی‌دار وجود دارد یعنی با بالا رفتن سطح دینداری میزان رضایت زناشویی زنان نیز بالا می‌رود. از نظر دورکیم نیز دین می‌تواند از طریق مقابله با احساس ناکامی و کارکرد خوشبختی بخش خود باعث افزایش رضایت زناشویی در افراد شود. یافته‌های گلמן و ویوی، اسپراوسکی و هاگستون نیز نشان داد که دین عامل مهمی در رضایت زناشویی به شمار می‌رود. بین سرمایه اجتماعی زنان و رضایت از زندگی زناشویی نیز همبستگی مثبت و معنی‌دار بود. از نظر پاتنام چیزی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد اعتماد است. اعتماد محور اصلی تئوری‌های نوین سرمایه اجتماعی و زمینه‌ی تعاملات و روابط اجتماعی است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۲: ۱۰۰). از نظر چلبی نیز با گسترش

سرمایه اجتماعی احساس عجز و تنهایی کاهش یافته و تحمل اجتماعی افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش سرمایه اجتماعی میزان رضایت نیز افزایش می‌یابد. بین مدت زمان ازدواج و رضایت زناشویی نیز همبستگی معکوس ضعیف وجود داشت که این یافته طبق مطالعات پینه او - قابل تبیین است. به طور کلی مطالعات نشان داده است که با ادامه ازدواج، خشنودی رو به کاهش می‌رود (میشل آندره، ۱۳۵۴: ۲۰۳).

هم‌چنین نتایج نشان داد که رضایت زناشویی بر اساس سطح تحصیلات زنان متفاوت است و زنان با تحصیلات بالا رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود دارند. در همین زمینه، یافته‌های واقعی (۱۳۸۸) نیز حاکی از آن است که بین سطح تحصیلات و رضایت‌مندی از زندگی رابطه وجود دارد.

در رابطه با ساختار قدرت در خانواده و رضایت زنان از زندگی زناشویی، نتایج تحقیق نشان داد که رضایت در خانواده‌هایی که ساختار قدرت زن‌سالاری دارند بیشتر از خانواده‌هایی است که ساختار قدرت اشتراکی و مردسالاری دارند. تحقیقات میشل آندره نیز نشان داده است که بین رضایت زن در ازدواج و قدرت شوهر رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد (همان: ۱۰۴).

در رابطه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت زناشویی در بین زنان نیز تفاوت حاصله معنی‌دار به دست آمد و میزان رضایت در خانواده‌های با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا بیشتر از سایرین می‌باشد.

از نظر مازلو بر خورداری نیازهای فرد موجب احترام و منزلت می‌شود. به طوری که فرد با بر خورداری از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا برای یافتن اقتصادی موجب کسب احترام و منزلت در روابط اجتماعی می‌شود این نیز به نوبه خود موجب رضایت در فرد می‌شود.

در نهایت، نتایج پژوهش نشان داد که بین فاصله سنی زوجین و نوع اشتغال زن با رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار وجود نداشت. نتایج تحقیق عطاری و همکاران (۱۳۸۴) نیز نشان داد که بین فاصله سنی زوجین و رضایت زناشویی رابطه وجود ندارد.

هم‌چنین نوروزیان (۱۳۸۵) نشان داد که رضایت زناشویی براساس وضعیت اشتغال زنان متفاوت نیست.

با توجه به نتایج برآمده از تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود با تدوین برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب ارزش‌های دینی ترویج گردیده و از این طریق بر استحکام خانواده‌ها افزوده گردد. هم‌چنین در مراکز مشاوره قبل از ازدواج از یک جامعه‌شناس خانواده استفاده گردد تا در مورد نحوه‌ی اداره موفق زندگی، همسررداری، نحوه‌ی ایجاد ارتباط درست در خانواده و تبادل نظر آموزش‌های لازم داده شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود برای بررسی تأثیر عوامل قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی پژوهشی انجام گیرد که در آن ارتباط قبل از ازدواج و نحوه‌ی همسرگزینی با رضایت از زندگی زناشویی مد نظر قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی‌بختور، د. (۱۳۶۴)، **بحثی پیرامون روان‌شناسی ازدواج**. تبریز: انتشارات سعدی.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۰)، **خشونت خانوادگی در زنان کتک‌خورده**. تهران: نشر عالی.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- آزاد ارمکی، ت و کمالی، ا. (۱۳۸۳)، **اعتماد اجتماع و جنسیت، (بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین زوجین)**. مجله‌ی جامعه‌شناسی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی دو، ناشر: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- بخارایی، ا. (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش ایران**. تهران: پژوهش‌های جامعه‌شناسی.
- بختیاری، آ. (۱۳۸۷)، **بررسی رضایت‌مندی از زندگی زناشویی در چهار نوع از ساختار خانواده**. مجله علمی پژوهشی، تحقیقات زنان، سال دوم، شماره اول، صص ۳۳-۵۳.

پاتنام، ر. (۱۳۸۰)، **دموکراسی و سنت‌های مدنی**. م ت، دلفروز. تهران: انتشارات روزنامه سلام.

تقوی، ن. (۱۳۷۴)، **بررسی وضع ازدواج و طلاق در شهر تبریز**. استانداری آذربایجانشرقی.

جمالی، ف. (۱۳۸۱)، **بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، احساس معنابخش بودن زندگی و سلامت روان دانشجویان دانشگاه تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

چلیپی، م. (۱۳۸۵)، **تحلیل اجتماعی در فضای کنش**. تهران: نشر نی، چاپ اول.
چلیپی، م و امیرکافی، م. (۱۳۸۳)، **تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی**. مجله‌ی جامعه‌شناسی، دوره پنجم، شماره دو، انجمن جامعه‌شناسان ایران.

حسینی، آ. (۱۳۶۷)، **ازدواج همسان و استحکام خانواده**. مجله زنان، شماره ۵۳، ۱۰ و ۵۲.

حیدری، م. (۱۳۸۵)، **دینداری و رضامندی خانوادگی**. تهران: مرکز انتشارات. ذوالفقارپور، م. (۱۳۸۰)، **بررسی رابطه بین ساختار قدرت و خانواده با رضایت‌مندی زناشویی کارمند و خانه‌دار**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء.

روحانی، ع و معنوی‌پور، د. (۱۳۸۷)، **رابطه عمل به باورهای دین با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه**. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره‌های سی و پنجم و سی و ششم.

روزن باوم، ه. (۱۳۶۷)، **خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه**. م، ص، مهدوی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.

ساروخانی، ب. (۱۳۸۸)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات سروش.

ساروخانی، ب. (۱۳۷۰)، **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: انتشارات کیهان.

ستوده، ه. (۱۳۸۴)، **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی**. تهران: ندای آریانا، چاپ اول.

شجاعی‌زند، ع. (۱۳۸۰)، **دین، جامعه و عرفی شدن، جستارهایی در جامعه‌شناسی دین**. تهران: نشر مرکز، چاپ اول.

صادق مقدم، ل و همکاران. (۱۳۸۵)، **میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار و همسران آنها**. مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی گناباد، دوره ۱۲، شماره ۲.

صدرنوبی، ر. (۱۳۷۰)، **جامعه و فرد**. مشهد: کتاب فروش بستان.

عطاری، ی و همکاران. (۱۳۸۴)، **بررسی رابطه‌ی بین عوامل فردی، خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان زن اداره‌های دولتی اهواز**.

(www.nik.salehi.com)

فراست، ز. (۱۳۸۵)، **بررسی و مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم.

قائمی، ع. (۱۳۷۳)، **حیات زن در اندیشه اسلامی**. تهران: انتشارات امیری.

کارلسون، جو اسپری، ل و لوئیس، ج. (۱۳۷۸)، **خانواده درمانی تضمین درمان کارآمد**. ترجمه: ش، نوابی نژاد. انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ دوم.

کلاتری، ن. (۱۳۸۸)، **بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی دبیران متوسطه شهرستان مراغه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

گیوکی، ا و داوودی، ح. (۱۳۸۸)، **بررسی رابطه‌ی میزان بخشودگی و رضایت زناشویی زنان شاغل**. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۴، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان.

مازلو، آ. (۱۳۶۷)، **انگیزش و شخصیت**. ترجمه: ا، میری (گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی)، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

محسنی، م و صالحی، ب. (۱۳۸۲)، **رضایت اجتماعی در ایران**. تهران: انتشارات آرون.

موسوی، ا و همکاران. (۱۳۸۷)، **تأثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران**. جلد ۶، شماره ۲۲.

- مید، ن. (۱۳۸۸)، **بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی زبانی شهر تبریز**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی.
- میشل، ا. (۱۳۵۴)، **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**. مترجم: ف، اردلان. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- نوروزیان، ش. (۱۳۸۵)، **آموزش خانواده در بهبود رضایت زناشویی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- نیکویی، م. (۱۳۸۷)، **بررسی رابطه دینداری با رضایت‌مندی زناشویی**. تازه‌های پژوهش‌های مشاوره، جلد ۴، شماره ۱۳.
- نظری، ع و سلیمانیان، ع. (۱۳۸۶)، **بررسی و مقایسه رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل و یکی شاغل**. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره.
- واقعی، ی. (۱۳۸۸)، **بررسی عوامل مرتبط با میزان رضایت زناشویی کارمندان در دو دانشگاه بیرجند**. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره‌ی چهارم.

Sears, D.O.; L.A., Peplau, J.I., freedman; Taylor, S.E.; (1988),
Social Psychology, By Practical Internathional Editors.